

بکجا میرویم؟

انالسان لطیفی ان رآه استغنی (آیات ۲۰۶ سورته نقی اولین سورۀ قرآن که نازل شده است) .
و نفس انسان خود را بی ایزاد است به سر کشی
میگرداند

داده و دسته دیگر امریکائی (US) میخواهند
بطور پیوسته که بالاخره منجر به نزاع و زدو
خورد و قتل دو نفر از دانشجویان فعال گروه
& پلنگان & یوسلفه متظاران مخالف خود شده
است. در بازویی که از منزل شومین پمیل آورده
شده چهارده قبضه تفنگه ، یک بوم خانگی ،
وسه سلاح سرد ، دست آمده . این مقدمه
شودنی یکی از آدم ترین و بزرگترین دانشگاه
های امریکا خواهد بود .

خبر دور

سؤال و جواب زیر در یکی از عبارات
مجله «هارلم» نیویورک (منطقه مخصوص
سیاه پوستان) در چند شب قبل اتفاق افتاد :
جوانی فریاد زد : رفقا چینی میخوانیم؟
و پاسخ آن ، که در یک آن ، از دهان یک
گروه عشت تفری نوجوان ۲۰ ساله بیرون آمد
یک کلمه برود آن & بوله بود .

(۱) اقتباس از مجله نیوزویک شماره ۲۷ ژانویه ۱۹۶۹

قبول خواهد کرد که فقر علت الملل این فجایع
بشماره برود . ولی ما با توجه به اینکه منکر تأثیر
فقرمادی در بروز فجایع جهانی و بهم خوردن
اعمال جامعهها نیستیم ، ولی اثر آنها عامل نمی-
شماریم بلکه معتقدیم بزرگترین فقری که جوایع
امروزی بشر و مخصوصاً آن دسته ای که خود را گل
سر سبد جهان و باسلاح و مملکت پشرفته ، روما

فوق صنعتی & میدانند تهدید میکند فقر مادی نیست
بلکه آن فقر مسموی و فقر اخلاقی است که امروزه
کوچکترین توجیهی بآن نمیشود و شاید عده ای
آنها جزء خرافات قرون گذشته بحساب آورند
و حال آنکه باید بیشتر بدان توجه شود و بقیده ما
تنها را به یاد کردن این فجایع و پیشگیری آنها
حسین توجه است .

برای اینکه عقیده خود را بیشتر با رقاب و اعداد

متکی سازیم توجه خوانندگان گرامی را به
گزارشی که ویلیبور کوهن (Cohen) و
زیر سابق پادشاهت و آموزش و رفاه اجتماعی
آمریکا (که در اصطلاح امریکائی آنرا Hewl
میخوانند) در کتابینه جانسون در پایان خدمت
خود منتشر کرده جلب میکنیم تا ثابت شود هر
خلاف عقیده مردم ، درمان درد بشر امروزی
تنها در شه کنفی فقرمادی نیست بلکه برعکس می-
نباری و رفاه و استمنای خود محرک بزرگی برای
سر کشی بشمار میرود و این ما نیستیم که دستی از
دور بر آتش دانسته باشیم بلکه یک نفر منتقد
معروف امریکا است که خود مسائل را بطرفانه
و شکافی میکند و در حقیقت از زبان ما سخن
میگوید . خوب دقت کنید :

و طبق مندرجات این کتابچه فقر را بدین روی مسئله گذشته حساب شود :

و طبقه دکنده، بر است جمهوری اشغال شد ۲۴ درصد مردم امریکا فقیر بودند ولی اکنون فقط نیمی از آنها یعنی ۱۱ درصد فقیرند و بین آن عدد درجه فقر در میانان بیشتر از سفیدپوستان گهفته است زیرا در سال اخیر ۴۰ درصد سیاه پوستان فقیر از فقر بدر آمده اند و حال آنکه فقط ۳۶ درصد از سفید پوستان چنین شده اند .

پولی که به صرف کمک بقرا و از بین بردن فقر بکار برده شده طبق نوشته « کهن » در طول ۵ سال حکومت (جانسون) تقریباً ۲ برابر شده است و احتمالی که جان کندی و اشغال شده تقریباً ۳ برابر شده یعنی از ۸۰ بیلیون دلار به حدود ۲۵ بیلیون دلار افزایش یافته است پولی که بوسیله وزارت بهداشت - آموزش و رفاه اجتماعی امریکا بفقیر و بیواری اجتماع مردم صرف شده است نیز بسیار حالب توجه می باشد :

در طول مدت حکومت جانسون انتهای پولی که برای امنیت اجتماع مردم امریکا صرف شده از ۲۰ بیلیون دلار به ۵۰ بیلیون رسیده است . و مخارج بهداشت از ۱۰۶ بیلیون ۱۶۳۳ بیلیون و از آموزش و پرورش از ۷۰ بیلیون دلار به ۳۰ بیلیون دلار و از رفاه اجتماعی از ۳ بیلیون به ۳۴ بیلیون دلار رسیده است . درصد درآمد ملی آمریکا که به مصرف گانه مذکور رسیده است (که تماماً کمک اجتماعی دولتی بشمار نمی رود)

امریکا بیگانگی نژادی است که در آن حکم فرم است .

شکاف بدبینی و ترس که بین سفید و سیاه بوجود آمده روز بروز با سرعتی عجیب و خیلی بیشتر از سرعتی که درآمد ملی افزایش می یابد رو بزفونی است . ولی اختلاف نژادی تنها زبانه بیماری اجتماع نیست در همه جا حتی در مناطق مرفه و ثروتمند نیز نوعی نارسایی و اضطراب که تا حال در امریکا سابقه نداشته است حکم فرم است و شاید بتوان گفت که برای اولین بار در تاریخ ، ملتی به اساس عقید بودن مؤسسات دولتی بدبین شده و از اصل به آنها با سوء ظن می نگرد و باز حالب است که آنچه که مستحقان گزارش و کهن و برمی آید آنست که :

ناراضایی ملی بنسبت مستقیم با پولی که صرف رفاه اجتماعی شده است ارتباط دارد .

ولی « کهن » خود با این حقیقت واقف است و برای توجیه این مسئله و تبرکه خویشتن از یکدیگر : « ناراضاییهایی که مدتها غیر قابل تحمل بود آنها امری قطعی بشمار میرفته و با سبر و شکیبایی قابل تحمل بوده اند بعضی اینکه یارقه امید و دردمان آنها به بدر می شود تحمل آنها غیر ممکن میگردد » (۱)

بنابر این ماحق خواهیم داشت همانطور که در آغاز بحث اشاره کردیم از رهبران تمدن جدید و از خود بیرسیم به کجا میرویم ؟ آیا این راهی که با سرعت غیر قابل تصور در پیش گرفته ایم به کجا منتهی خواهد شد . آیا به نابودی نوع بشر و زبرد شدن دنیا منجر نخواهد شد ؟

جواب این سؤال با توجه به مقتضیات موجود و سیر شکفت انگیز حوادث ظاهراً همانست که در بالا دیدمش ولی عقیده ما غیر از اینست ؛ ما عقیده داریم در آینده ای که بسیار دور هم نیست مردم آن خردمند و دوراندیش جهان مخصوصاً جوانانیکه از سرگردانی و تخریب سنت های موجود دستنوده آمده اند دست به انقلابی شگرف خواهند زد که جنبه سازندگی و نو سازی خواهد داشت رهبر یک چنین انقلابی از جانب خدا ماموریت خواهد داشت وظیفه خود را در راه تأمین سعادت نوع بشر با انجام رساند و مسلماً با انجام خواهد رسانید زیرا هیچ وقت دنیا این چنین دچار خلاص نشده بود و اینقدر تشنه یافتن حقیقت نبوده است و این تشنگی خوشبختانه عالم گیر است و کلیه جوامع و ملل از مافوق صنعتی و صنعتی گرفته تا در حال رشد و عقب افتاده و نژاد های مختلف سیاه و سفید و زرد و سرخ بدان گرفتارند با امید آنروز که مصداق آیه کریمه « اتی امر الله فلا تستعجلوه و سبحانه و تعالی عما یشرکون » (۲) و ظهور مهدی موعود نزدیک شود !!

(۱) اقتباس شماره ۱۱۳ ژانویه ۱۹۶۹ هجری قمری نوشته اسواتر السوب (Alsop) مشهور

(۲) سوره نحل آیه ۱